

تالا از ۳ اصل دین نوشتم برای اینکه یک نظام صوری سازگار و با ثبات برای مفهوم آزادی داشته باشیم.

این روزها، اصلاح طلب‌ها، با کلمه خطرناک تبعیض مثبت وارد عمل شدند.

این شما و این **اصل عدل الهی**، چهارمین اصل دین که این یکی، مختص به تشیع هست.
(شروع کنید به فحش دادن سریع، بگید بچه شیعه خودش رو لو داد)

تبعیض مثبت توسط دولت (که مفصلان شرح دادم، نماد فیزیکی شده شیطان، دولت هست) عملاً خلاف اصل عدل الهی است.

حالا ببینیم چرا؟

فعلا خودتون فکر کنید، جست و جو
کنید، پرس و جو کنید.

کمی به ذهن فشار بیارید که چرا بعد
از اصول توحید، نبوت و معاد

اصل عدل الهی، برای consistent شدن نظام صوری برای آزادی، یکی از اصول موضوعه است.

نوتیفیکیشن های صفحه رو روشن کنید، که موقعي که نوشتتم از دست ندید باز پابرهنه یه عده بیان وسط حرفای بی ربط بزنند.

هرکس می تونه جواب سوال رو بدھ،
بهم ریپلای بزن، به اوئی که درست
بگه، جایزه می دم. به اوئی که استدلال
خوبی برای رد ادعای من ارائه بدھ که
از روش استدلالش چیزی یاد بگیرم هم
جایزه می دم.

یه مسئله رو همین الان تفکیک کنید
که بعدا شرمنده هم نشیم.

من دارم با اصول منطق و نظام های
صوری می‌رم جلو.

نتیجتا من مدعی «اخلاق» و «اخلاق
دینی» نیستم. من فقط مدعی این
هستم که «حقوق مالکیت
خصوصی» کسی رو نقض نکردم.
اما احتمالا سرشار از خطا و گناه و
اشتباه و بی اخلاقی و ... باشم.

یه وقت پس فردا فکر نکنید مثلا مج من رو
گرفتید. فقط زمانی مج من رو می‌تونید
بگیرید که من حقوق مالکیت خصوصی کسی
رو نقض کنم. باقی موارد حق الله حساب
می‌شه و به خودم و خدای خودم ربط داره.
تنها جایی که به بنده خدا ربط داره، رعایت
حقوق مالکیت خصوصی هست.

دو نکته خیلی حیاتی دیگه هم باید در نظر بگیرید:

اولی:

من آنارشیست نیستم، یعنی اصلاً اینجوری نیست که بگی آی پس مفهوم دولت اینه پس در تمام عالم بریم دولت هارو نابود کنیم.
چنین چیزی به هزاران استدلال خلاف عقله و به هزاران دلیل از بی بیراهه است.

تمام آدما رو الان بکشید کnar، می‌گن «دولت که لازمه، باید باشه» حتی مینارشیست‌های معتقد به دولت حداقلی نگهبان شب. مشکلشون اینه که ایکس نباشه ایگرگ باشه و اسم دولت عوض بشه. نتیجتاً شما ابداً نمی‌تونید تغییر مثبتی خلاف عقل عموم جامعه ایجاد کنید.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِم
خداؤند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد
مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند!

دوم اینکه ما هیچوقت در مقام تشخیص این نیستیم که دیگران رو تکفیر کنیم. مثلا بگیم چون اصلاح طلبان یا فلان شخص داره نظری می ده که نقض اصول دینه، پس کافره. نه اینجوری نیست. تمام اینا چیزهایی هست خلاف عقل و آزادی و اندیشه است.

اگر کلام و استدلالی با عقل سليم سازگار باشه کار خودش رو می کنه، اگر نکرد هم وظیفه و رسالتی بر دوش هیچکس نیست که به زور کسی رو هدایت کنه، نبوت تموم شده ما هم رسالتی بر این موضوعات نداریم. توهمش هم نباید بزنیم.

(توی امور روزمره هم می بینید خیلیا به زور می خوان در هر موضوعی هدایت کنند، از قضا دادن به سگها و گیاه خواری گرفته تا ..., مشی من این نیست. من ول می کنم می رم حوصله چونه زدن ندارم.)

یا می فهمید ۲۲ تا می شه ۴ تا یا نمی فهمید. وظیفه فهموندن بر دوش کسی نیست.

سلام.

اول اینکه اون اصل توحیدی که شما میفرمایید یه سطح بالاتری از اصول دینی هست که مسلمانها دارن.

من از چندتا عالم دینی سوال کردم گفتم توحیدی که داشتم میگین که بندگی خدارو کنی و کسی رو به بندگی نیگیری و مالکیت خصوصی و اینها...

اینا میگن این یعنی تقوا یعنی خیلی بالاتر از توحید هست.

از دید اینها توحید یعنی یک خدا داریم که خالق همه چی هست.

این شد تا اینجا

در همین حد میشه توحید. چیزی که شما میگی میشه تقوا 😊

حاجی خیلی خفنه...

دوم اینکه اگه بتونی اصل عدالت رو برآم جا بندازی حجت را تمام کردی 😊

گفتم که

همین اصول دین رو هم درست نمیشناسند، حتی علمای دین.

دین پله آخر اندیشه است، اینا از پله اول میرن سراغش. پله اول همین عدد بدھ و آمار و پوزیتیویسم و علم و هنر و ادبیات و فلسفه است.

خشت اول چو نهد معمار کج
تا ثریا می‌رود دیوار کج

مرور می‌کنیم:

شما نظام صوری تمام فلسفه آزادی رو از کانت و لاک تا هایک و میزس و روتبارد بنویسید (اصول موضوعه اشون رو استخراج کنید)

به هیچ نظام صوری (فرمال سیستم) سازگار و با ثباتی (که هیچ دو گزاره متناقضی ندارند یا هیچ گزاره‌ای که اصول موضوعه رو نقض کنه ندارند) از مفهوم آزادی نمی‌رسید.

اگر برای مفهوم آزادی، از ابتدا قرار باشه یک نظام صوری سازگار و با ثبات بنویسید که اصول موضوعه آن متناهی باشد، به اصول موضوعه دین می‌رسید. (تا اینجا ۳ تا رو بررسی کردیم و چهارمی عدل الهی بود که هنوز توضیح ندادم)

از روند بالا به این نتیجه می‌رسیم در واقع، دین نه برای پاسخ همه سوالات امور عقلی بشری، بلکه برای پاسخ به نیاز به مفهوم آزادی آمده، همانطور که بارها به عقل سليم به عنوان حجت باطنی یاد کرده و گفته امور دنیوی با عقل سليم رفع می‌شن، (البته جز مفهوم آزادی که با عقل بشر رفع نمی‌شه!)



فریدریش درکهایم، ۱۸۹۳-۱۹۷۴، فیلسوف ایندیگو

بیوگرافی قول داد: خشن را از روی بیوگرافی خود

Your field of conceptual phenomena is understandable because it involves a complicated mix of observation, possibility, and stability, along with a particular phenomenon. However, the purpose of the description, in my view, is not to fake real phenomena but to hide them.

ترجمه این نظر کنم: خوب نه بخوبی فهم این

بلایاک اف و دارایند. فی وظیفه به مدد

آگوش را بسیند، بحقیقت میگشون کنند.

دقیق، درم تو سرمه، ۱ لیوان چوبه خودند.

کورت گودل نو: جقدر بزرگ.

However, the purpose of the deception, in my view, is not to fake real phenomena but to hide them.

برای فریب، نیاز نیست، مدل تقلیبی پدیده
های واقعی رو درست کنید
برای فریب باید حقایق رو پنهان کنید.

پنهان کردن حقیقت، کاری که شیطان به بلندای
تاریخ کرده.

اگه چیزی میبینید که با عقل سلیم و وجود انتون
سازگار نیست، حقیقت پنهان شده، آشکار کردن
حقیقت هم همیشه هزینه داره، بیشترین هزینه اش
طرد شدنه.

و یادآوری مهم دیگه با این نقل قول
از کورت گودل که شیطان کارش
پنهان کردن حقیقته و کلمه کافر از
ریشه پنهان کردن و پوشاندن میاد.

نفس ها رو در سینه برای
استوری بعدی حبس کنید.

حقیقت بسیار بسیار بزرگ‌تر از جمله قرمز رنگ استوری قبل منه.

اما در بعد مادی و دنیوی

دین فرمال سیستم کانسیستنتی برای مفهوم آزادی بوده.

برای دین اهمیتی ندارد شما تاریخ تکامل کرده زمین و جانوران را مطالعه کنید یا نکنید. برایش اهمیتی ندارد با علم به مریخ پرسید یا نرسید یا هوش مصنوعی برای شما چه خواهد کرد یا پزشکی به چه حدی از علم برسد.

نظام صوری دین، آمده بگوید هر کاری می‌کنید، حق به بندگی گرفتن دیگری و بندگی کردن برای دیگری را ندارید، حق نقض مالکیت خصوصی دیگری را ندارید. این هم یعنی آزادی. با ناقضان آزادی هم تا سر حد مرگ قاطع برخورد می‌کند. اجازه چرا پرسیدن هم نمی‌دهد.

چرا علم امروز تبدیل شده به ابزار کنترل
دیگران و عمدۀ تحصیل کرده های
دانشگاهی ما، کمونیست و سوسیالیست
و خداناباور و لیبرال آثئیست هستند؟

چون دولت ها کنترل شاهراه آزادی را در دست دارند:
واحد پول دولتی و اجباری و بانکداری غیرآزاد
و فاند اصلی هزینه های تمام شئون علم از شیطان
دولت ها و بانکداری مرکزی تغذیه می کند.

مادر همه اشون هم دلاره
کودکان عقب مانده اشون هم یوان چین و روبل
روسیه و ریال ایران و یوروی اروپا و ...

ساختار آموزش در کنترل شیطان است.

دولت هم که ذات شیطانی دارد.

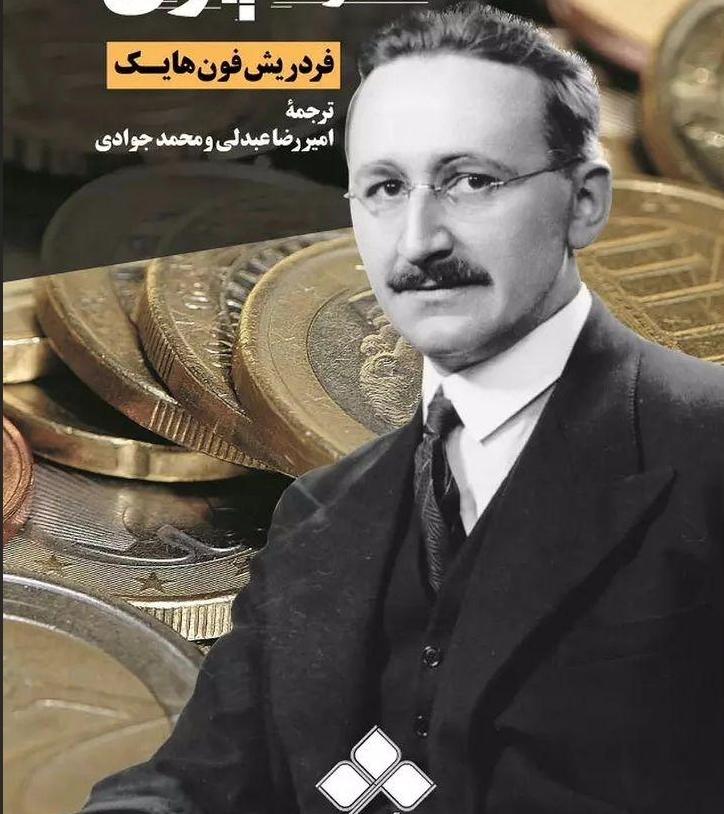
برای از بین بردن شیطان، شیطان بودن را رقابتی
کنید (سخن بزرگان خودم)

در نتیجه برای از بین بردن شیطان، خشونت از
انحصار دولت باید خارج شود، واحد پولی هم از
انحصار دولت باید خارج شود و پول خصوصی
امکان ایجاد داشته باشد.

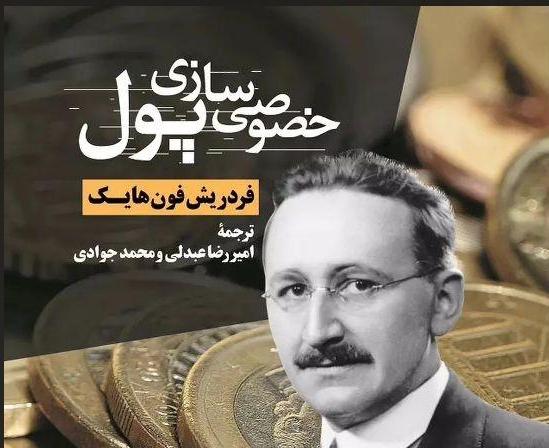
خصوی پول سازی

فردریش فون هایک

ترجمه
امیر رضا عدلی و محمد جوادی



قبل از خووندن این کتاب هایک،
به اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
بگید حتّماً. هایک اینجا قلب
شیطان رو نشانه گرفته.



به محض اینکه در ایران، نسخه اصیل آزادی که دست بر قضا، فرمال سیستم آن بومی خودمان هست و فلاسفه غربی تمام المان های اون رو کتاب کردند، اجرایی شود.

نیازمند
فروپاشی دلار آمریکا شروع می‌شه.

زمانی که شیطان بودن دولت در ایران رقابتی شود، ریال وارد رقابت با اعتبارات خصوصی شود و ارزهای بین المللی در ایران رسمیت پیدا کنند، نظام بانکداری جهانی شروع به چپه شدن می‌کند.

مادامی که نسخه قوى ترى از آزادی در جهان ارائه نشده، آمریکا يكه تازی خواهد کرد.

من برای کرونا واکسن زدم

هر زمان هم اتفاق مشابهی رخ بده با چند
متخصص مشورت می‌کنم و همین تصمیم
رو می‌گیرم.

اما

اجبار واکسیناسیون برای کرونا، یعنی علم
شیطانی! اجبار یعنی به چالش کشیدن
اراده آزاد و انسان زدایی کردن از انسان
و نقض اراده آزاد یعنی خود را بالاتر از
خدا فرض کردن نسبت به دیگر انسان ها!

و به دروغ به مخالفان اجبار واکسن
می‌گفتند دشمن علم.

فائقی رو باید دار زد دوستان. کسی که در
اجبار رو در جامعه باز کنه، تا سر حد مرگ
باید براش مجازات باشه که هیچوقت جرات
نکنه به اجبار به دیگران حتی فکر کنه.

هایلایت های

آزادی لعنتی از شماره ۱ تا هرچند که
شده رو بخوونید.

تا ببینید من چه کردم
چه پازلی حل کردم
چیبیبیبیبیبی رو کشف کردم

خدایا اگر تو بدونی چقدر احساس
خفگی می‌کنم گاهی از حرف‌ها و
ترس‌ها و ناتوانی در نوشتن.

بخوونید تا ببینید همین یک جمله قرمز
رنگ، والله قسم بزرگترین کشف علوم
انسانی ۱۴۰۰ سال اخیره، بزرگترین لایه:
برداری از هزاران لایه پنهان کاری و فریبه:
تنها نظام صوری سازگار و با ثبات برای
مفهوم آزادی، اصول موضوعه دینه.

قرآن ویکیپدیا نیست

قرآن قرار نیست دایرہ المعارف بریتانیکا
باشه و شما باهاش کار علمی بکنید

قرآن کتاب تاریخ هم نیست

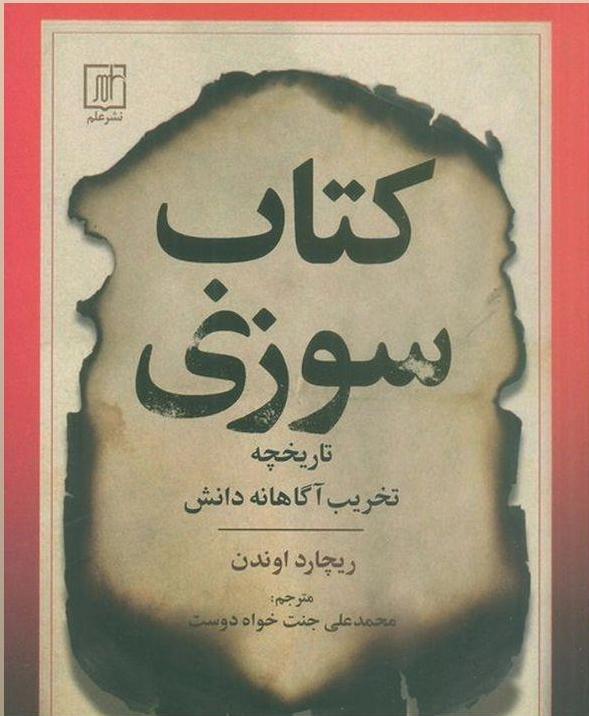
دین هم با مطالعه تاریخ سراسر تحریف
شده ای که تازه ۲۰۰ سال بعد از پیغمبر
مکتوب شدند فهم نمی‌شه.

تمام اینا بازی شیطان هست که من تو ش
نمی‌فتم.

من همان جمله ای رو می‌گم که خودش گفته:

اگر می‌توانید یک کتاب (نظام صوری با ثبات و
سازگار، برای مفهوم آزادی) مثل قرآن، ارائه کنید.
اصل تحدی همینه حداقل بخش کوچکیش همینه
(اینم کشف من در ۱۴۰۰ سال اخیره)

تمام تاریخ برای این یک کار زور زدند و نشد.
اگرچه فلاسفه آزادی همه به من کمک کردند که
همین رو کشف بکنم.



من اصلاً ترجمه کار شیطان رو منتشر کردم.

تخریب آگاهانه دانش و تحریف آگاهانه تاریخ با کتاب سوزی توسط دولت ها (بخوانید شیطان)

من حتی تحریف های ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رو با فرمال سیستم خودم از ژئوپلیتیک پیدا کردم. حتی در ارتباط با حمله مغول ها به ایران و جنگ چالدران عثمانی و صفویه هم اکتشافاتی داشتم که بعداً خواهم نوشت. تاریخ رو بدون فرمال سیستم سازگار نمی شه درست فهمید.

حالا شما بگید در تاریخ گفتن فلانی ۱۰ تا زن داشته یا ۱۰ تا رو اون شکلی سر بریده و ... با این حرفا، نظام صوری با ثبات و سازگار از مفهوم آزادی نمی تونید دربیارید یا این یکی رو نقض کنید.

تاریخ رو تا دلتون بخواه میتونن و میتوانین تحریف کنید، اونم تازه تاریخ قبل از اختراع ماشین چاپ!

فقط کافیه همین یک خط رو پنهان کنید
(دین تنها نظام صوری با ثبات از مفهوم آزادی است) و دو مفهوم آزادی و دین رو از هم جدا کنید.

هرچی از دین بخوونید گیج می‌شین که چرا پس فلان جا فلان چیز گفت پس اینجا اجباره و ...

و هرچی باید تفسیر کنید ازش، سویه سوسياليستی و فاشیستی ازش در میاد.

نمونه دین دستوری و سوسياليستی رو زیاد دیدید، نمونه فاشیستی هم ازش زیاد دیدید.

ولی قاطعانه اعلام می‌کنم، تا ۵ سال دیگر، تنها تفسیر همه گیر از دین، آزادی خواهد بود و ایران بدون خونریزی، مسیر پیشرفت را استارت خواهد زد. این معادله حل شد تمام شد رفت پی کارش، فقط مونده مكتوب کاريشه و تميز کاريشه.

من از ایران نرفتم

چون همیشه این رویا رو داشتم که یه کاری باید کرد از جنس فکر برای اینکه همه گره ها باز بشه. تئوری تغییر نیاز داریم. یه چیزی که عقل سلیم همه رو همراه کنه.

حالا اون کار رو کردم، بذرش رو هم کاشتم، چند سال دیگه می خوام زیر سایه درختش همینجا تو ایران بشینیم.

من اون روز رو باید همینجا ببینم.

من از ایران نرفتم

چون همیشه این رویا رو داشتم که یه کاری باید کرد از جنس فکر برای اینکه همه گره ها باز بشه. تئوری تغییر نیاز داریم. یه چیزی که عقل سلیم همه رو همراه کنه.

حالا اون کار رو کردم، بذرش رو هم کاشتم، چند سال دیگه می خوام زیر سایه درختش همینجا تو ایران بشینیم.

من اون روز رو باید همینجا ببینم.

خیلی دوست داشتم امسال اربعین رو
برم ولی حیف که ممنوع الخروج.

اولین سالیه که تازه فهمیدم یکی ۱۴۰۰
سال پیش برای چی و چرا خونش ریخته
شد و چرا مهمه و چرا حتی با اینکه
میلیون ها نفر قرن هاست عاشقشند حتی
دقیق نمی دونستن و نمی دونن چرا
خونش ریخته شد و من با تمام عقل و
دل خودم فهمیدم چرا و دوست داشتم
برم و نمی تونم.

اگه نگم تنها کسی هستم که این معادله
رو حل کردم، حداقل تنها کسی هستم که
بیان عمومی کردم ولی محروم ازش.
این درد داره.

یکی از نتایج این کشفی که کردم:

چرا همه ادیان در خاورمیانه آمدند؟

جواب:

شاید این جواب کامل نباشه ولی حتماً
بخش مهمی از ماجرا هست:
تمدن در خاورمیانه اینقدر جلوتر از باقی
نقاط دنیا بود که به دغدغه رسیدن به
فرمال سیستمی برای آزادی رسیدند.
یعنی مفهوم دولت و حکمرانی به حدی
رسیده بود که مفهوم آزادی، موضوعیت
پیدا کرده بود.

وجود دین در یک منطقه، یعنی اوج تبلور فلسفه
و منطق، یعنی گذر از علم و هنر و ادبیات و
فلسفه و فرهنگ و دارایی‌های فرهنگی مثل
نوروز و ... و رسیدن به قله اون یعنی دین.
این که در ایران، از بسیار زمان‌های دور، زرتشت
وجود داشت، در حالی که باقی نقاط دنیا مثل
یونان، چند خدایی بودند، نشون می‌ده تعریف از
تمدن و آزادی به چه سطحی در ایران رسیده بود
که در نقاط دیگر دنیا نبوده.



برای اینکه یه جامعه به سطحی برسه که
دین در بستر اون جاری بشه، باید هزاران
سال تمدن در اون جاری بوده باشه.

تمدنی که منتهی به دین شده، حتماً انبوهی
از قدم‌ها بوده که در حوزه اندیشه، مردم
اوی خطا رفته.

چرا همه ادیان معتقد به خدای واحد، در
محدوده خاورمیانه، بین النهرين و فلات
ایران بودند؟

ایرانی که در معرض تاخت و تاز بوده در
تاریخ، طبیعیه که تاریخ سوخته و نابود
شده زیادی داشته باشه، ما چقدر
اطلاعات تاریخی از مادها به قبل داریم؟

بخش زیادی از این تاریخ سوخته و
هیچوقت هم قابل بازیابی مطالعه نیست.

اگر قله یک تمدن رو درک مفهوم آزادی
بدونیم

آزادی که فقط یکی از اثرات جانبیش توسعه و پیشرفت و تکنولوژی و هنر و ادبیات و ... هست (نمونه آمریکا رو نسبت به باقی دنیا ببینید)

و اگر فرمال سیستم کانسیستنت برای آزادی، دین با خدای واحد باشد.

جواب این سوال که چرا «ایران» کهن ترین کشور لیبرال دنیاست هم شفاف تر می‌شه (کهن‌ترین کشوری که ارزش‌های لیبرال تبدیل به ملت‌ش کرده به دلیل تنوع ذاتی قومی و زبانیش، بر خلاف ترکیه که اسمش مربوط به یک قوم هست یا اعراب، یا آلمان که ژرمن‌ها هستند و ...)

طبعیه که این موی دماغ شیطان، باید از دو جا بهش ضربه زد:
تقویت قومیت گرایی و جدایی طلبی و فاشیسم قومی قبیله ای
دین زدایی و ترویج دین ستیزی

در واقع تاریخی که ما ازش هیچی به دستمون نرسیده رو مهندسی معکوس کردم.

که این مهندسی معکوس در واقع همون اثبات بازگشتی در منطق و الگوریتم هاست.

آمریکا یک کشور ساختگیه.
با نظام صوری ناسازگار با آزادی.
با ملت سازی ناپایدار و تلاش مهندسی و
مصنوعی برای پذیرش تنوع نژادی.
با دینی که اصول موضوعه اش با آزادی
ناسازگاری داره.

و نهاد خانواده ای که به دلیل همان ناسازگاری
نظام های صوری مشتق شده از آزادی در معرض
تهدیده.

در واقع در هر چهار فاکتور «خدا، آزادی،
خانواده، میهن» یک نسخه تقلبی و
ساختگی از چیزهاییست که ما فرمال
سیستمش رو سازگار به بلندای تاریخ
داریم. داریم منتها گمشون کردیم، پنهان
شدند. باید از اول رمزگشایی کنیم که
دارم می‌کنم.

اگر باز به روش بازگشتی برگردیم عقب، اون چیزی که گلوبالیسم امروز میخواهد ارائه بده در کل جهان متمن محدود اون دوران در ایران رخ داده بود.

حالا اینجا تازه منشور کوروش معنی بیشتری پیدا میکنه.

درک یک حکمران از مفهوم آزادی. تعجبی نداره که حدود نصف ثروت جهان اون دوران در ایران بوده، چون ثروت، از اثرات جانبی آزادی در یک جامعه است.

حالا باید دید کجای اون دوران، پا روی ارزش های آزادی گذاشته شده که سقوط رخ داده.

تنها کشور کهن دنیا، تنها ملت کهن دنیا با ارزش های لیبرال ایران بوده.

و اینجا یک نتیجه مهم دیگری میگیریم ...

در کل شبه جزیره عربستان، یک رود دائمی وجود نداره.

در واقع با توجه به اصول موضوعه ژئوپلیتیک، همچین جایی نمی‌توانه کانون جمعیتی و تمدن باشه.

چنین چیزی غیر ممکنه که اصلاً ظرفیت جمعیتی داشته باشن که بتونن از ماوراءالنهر در آسیای میانه تا اسپانیا رو با «زور» بگیرند. اگه تکنولوژی قرن اخیر نبود، جمعیت امروز عربستان به زور به ۵ میلیون نفر می‌رسید.

ایرانیان هم می‌تونستن مثل زبان فارسی و خیلی چیزهای دیگه که حفظ کردند، زرتشتی بودن هم حفظ کنند.

ایرانیان نسخه اصلی منطبق با آزادی دین رو، طبق سنت کهن قبلی خودشون پذیرفتند.

مابقى دنياى اون دوران که سنت آزادی رو نداشتند، نسخه هاي ضد آزادی از دين ساختند و ادامه دادند و ايرانيان زير بار اون نسخه نرفتند.

یکی از اکتشافات دیگه ام این بوده که مغول ها هم مثل شبه جزیره عربستان توی کشورشون یه رود ندارند. ظرفیت جمعیتی نداشتند، رفتم و گشتم و گشتم و دنبال دو تا چیز بودم که بفهمم کدومش رو مغول ها حداقل داشتند و ما نداشتیم.

چون جمعیت کافی نداشتند.

دنبال قدرت نرم یا قدرت سخت بودم
قدرت نرم شبیه دینه
و قدرت سخت تکنولوژی نظامی

و فهمیدم که مغول ها، فناوری باروت رو از چین کش رفتند و نظامی سازیش کردند و با تکنولوژی باروت نظامی شده نصف کره زمین رو گرفتند.

در ادامه اکتشافات دیدم که تکنولوژیش از شمال دریای خزر به اروپا رسید و به ایران نرسید. نتیجتاً ایرانیان بعد از یکی دو قرن، در نبرد چالدران با عثمانی اولین مواجهه با توپ و تفنگ رو داشتند. کدام عثمانی؟ هموна که خودشون رو از نژاد ترک های مغول می دونند!

همین کشف این استوری من خودش از اکتشافات تاریخ با استفاده از فرمال سیستم هاست. برashون فکت هم پیدا کردم، جایی هم پیدا نمی کنیدش. منتها من اکتشافاتم از سرعت و توان نوشتنم جلو زده.

مغول ها، لشکر خلیفه عباسی رو با یه سلاحی شبیه به شات گان کله پا کردند.

با انفجار باروت، خردہ سنگ پرت می کردند
طرف هم آتیش می گرفت هم سوراخ
سوراخ می شد.

بله خلاصه فکر نکنید مغول ها یه قوم
صرفًا وحشی بودن.

نه، تکنولوژی برتر نظامی روز رو در دنیای
اون زمان داشتند.

شبیه بمب اتمی که آمریکا در جنگ جهانی
دوم رو کرد.

و ما تا چند قرن از تکنولوژی نظامی باروت جا
موندیم، در حدی که بقیه در عثمانی به توپ و
تفنگ رسیدند، زبان ایران فارسی موند اما
عثمانی ترک شدند. طبیعی بود که در هم
تنیدگی منجر به تغییر زبان، به در هم تنیدگی
تکنولوژی بیشتر هم منجر بشه.

وقتی عمق تمدن یک کشور اینقدر بالاست که مفهوم آزادی برایش می‌شه دغدغه

و تنها نظام صوری برای مفهوم آزادی دینه.

یعنی این تمدن از همه ساحت‌های اندیشه و فرهنگ و تمدن رد شده، رسیده به دغدغه برای قله آزادی.

اونوقت خیلی جای تعجب نداره که خیلی از تاریخ دان‌ها می‌گن فلان چیزها اولین بار از ایران اوmd در جهان

و خیلیا ازش جوک می‌سازند، و حتی برعکس می‌کنند می‌گن ایران از بقیه کپی کرده.

وقتی غول مرحله آخر تمدن یعنی دغدغه آزادی و توحید رو رسیدی، یعنی از همه در همه چیز هزاران سال جلوتر بودی.

منتها شیطان برعکشش کرده، می‌گه ببینید اینا عقب مونده هستن، چون دغدغه اشون دین بوده! ای لعنت.

خدا

آزادی

خانواده

میهن

ایران رو باید به چنگ و دندان حفظ کرد، لیبرال ترین کشور کهنه جهان رو باید حفظ کرد.

دین رو باید دو دستی چسبید.

اکتشافات برای امشب کافیه خودم مخم سوت کشید.

اینا که می‌گن آمریکا سقوط می‌کنه
غرب سقوط می‌کنه

یه چیزایی حدس زدن، منتہا چون نصفه حدس
زدن، نصفه و غلط هم عمل کردن، عمالا پیش بینی
هاشون بر عکس شده و بدتر هم میشه.

غرب نه تنها سقوط نکردند، که چاه نفت ما داره
خشک میشه به کنار فدای سرتون، کهن ترین
دارایی مملکت یعنی دین داره نابود می‌شه.

فقط زمانی غرب سقوط می‌کنه که ایران به نسخه
اصلی خودش از آزادی برگردد. یعنی همون نظام
صوری سازگار از مفهوم آزادی، یعنی دین.

یقین دارم تاریخ ایران با همین کشف
عوض خواهد شد.

من کارم رو عملا تموم کردم و واقعا اگر
پس فردا هر اتفاقی برآم بیفته دیگه
هسته ماجرا رو گذاشتم برای بقیه که اگر
خودم نبودم ادامه اش بدن.

وقتی گفتم ابعاد کشف همین یک خط «تنها نظام صوری با ثبات برای مفهوم آزادی، دینه»

فقط و فقط همین یک خط

از اقتصاد تا سیاست و جامعه
شناسی و حتی تاریخ رو ریست
فکتوری می‌کنه

اینا گوشه‌هایی از مثال هاش بود.

همین یک خط، شیرین و راحت ۷۰ درصد علوم انسانی رو از موضوعیت خارج می‌کنه کلا. حالا به تدریج با هم می‌ریم جلو می‌بینیم. چند سالی تماشا کنید و لذت ببرید تدریجی.



تخم محافظه کاری در فرانسه خشک شده، این کشور نهایتاً یا دست فاشیست ها می‌افته یا کمونیست ها.

این کثافتی بود که امشب در پاریس خلق شد.



فرانسه، مرکز تولد نئومارکسیست‌ها و
چپ‌های جدیده، با ایدئولوژی‌های
دولتی سازی جدید، در قالب محیط
زیست، آموزش دولتی و ...

دولت، تجسم زمینی شیطانه و
طرفداران هر نوعی از دولتی سازی
نهایتاً کارگزاران شیطان هستند.



تلاش‌هایی در جهت نابودی نهاد خانواده.

زدن نهاد خانواده، یعنی زدن کوچکترین نهاد خصوصی جامعه. گام اول سیطره کمونیستی شیطان دولت بر تمام شئون انسانی.

همانطوری که اجبار نوع پوشش (تربیت دولتی) از طرف دولت، نقض مالکیت خصوصی نهاد خانواده است و نهاد خانواده رو از رسمیت ساقط می‌کنه

این مزخرفات کمونیستی هم لبه دوم قیچی نابودی نهاد خانواده هستند.

خانواده در مالکیت پدر و مادر خانواده است و هر جایی که دولت، در تربیت خانوادگی مداخله کنه، داره نقض آزادی و مالکیت خصوصی می‌کنه و این گام اول ورود شیطانه.

آیا خانواده‌ها همه ایده آل کار می‌کنند؟
قطعاً نه، اما نبود خانواده یعنی ورود شر مطلق یعنی دولت. نقص‌هایی که در خانواده‌ها وجود داره، ریشه در اقدامات شیطان (دولت) داره.

چرا ایران دچار بحران رشد جمعیتی شده؟ چرا اروپا دچار بحران رشد جمعیتی شده؟ و چرا آمریکا چنین بحرانی ندارد؟

July 18

محمدعلی جنت خواه

وقبی دولت (شیطان) در تربیت فرزند، آموزش فرزند، توبیخ نوع پوشش و لباس فرزند، مداخله ای بالا دستانه نسبت به پدر و مادر داشته باشه، عملانقض مالکیت خصوصی کرده و نهاد خانواده رو تهدید کرده و از رسمیت اندماخته.

زمانی که مفهوم فرزند از مالکیت خانواده خارج بشه، طبیعیه که عملاننهاد خانواده بی معنی میشه.

این بی معنی شدن نهاد خانواده، ضرورت تشکیل نهاد خانواده رو تا سطح سکس میتونه کاهش بدی و این کاهش ضرورت تشکیل خانواده، عملانجامعه رو دچار انحطاط میکنه حتی به لحاظ جمعیتی.
نابودی نهاد خانواده یعنی پرزنگر شدن ضرورت وجود شیطان دولت.

سوسایلیسم چه به شکل فرهنگی در غرب و چه به شکل آمرانه در شکل ترکیب دین و دولت، هدفتش نابودی نهاد خانواده است.

دخلات بالادسانه نسبت به پدر و مادر در امور فرزندان خانواده، عملانباعث عدم تمایل به فرزندناواری میشه چرا که تمام مفاهیم مادی و معنوی فرزند رو از پدر و مادر میگیرد.

حالا شما هی وام اذدواج و وام فرزندآوری بدی.

GIF Broadcast



جواب اینا رو در کanal تلگرامم دادم، تربیت اجباری دولتی (شیطانی) و بزرگشدن دولت (فربه شدن شیطان)

لینک تربیت دولتی و بحران جمعیت در کanal ...

آدرس کanal تلگرام: jannatkah_ir

افراد برای بچه دار شدن و تربیت فرزند
ترجیح می‌دان با مشکلات مرتبط با تربیت و
رشد فرزند دست و پنجه نرم کنند

نه اینکه هم‌زمان مداخلات دولتی در تربیت
بچه رو هم متحمل بشن، دولت علاوه مالک
جان و تحصیل و اندیشه فرزند بشه و
هم‌زمان در اقتصاد روزمره خانواده مداخله
مستقیم داشته باشه و باعث فقر بشه (هر
نوع مداخله دولتی با هر نوع نیت مثبت و
منفی، مستقیماً باعث اختلاف طبقاتی و
فقر می‌شه)

مشکل کمبود فرزندآوری در ایران،
دقیقاً مشکل مداخله دولتی در نهاد
خانواده به شکل تربیت اجباری و
مداخله اقتصادی است.

مشکل فرزند آوری، آشنایی روستاییان
با کاندوم نیست، مشکل مداخله و
تعیین تکلیف حتی در مصرف کاندوم
در خانواده است!

اندازه دولت ها و مداخله دولت ها به خصوص در آموزش، درمان و مالیات رو در کشورهای حتی توسعه یافته جهان نگاه کنید.

چین، ژاپن، روسیه، کره جنوبی، تمام اروپا که فاز سوسياليستی برداشتند، ایران و ...

همه بحران رشد پایین یا منفی جمعیتی دارند.

ولی علی الحساب آمریکا که کمترین مداخله رو داره، یه مسیر متعادل رو در پیش دارد.

یاد بگیرید هرچی رو وظیفه دولت دونستید، همزمان با تیر تو پای خودتون شلیک کردید.
نه تنها وظیفه ندارد که همین وظایفش هم باید ازش سلب شود.

اگر در ذهنتان دولت یک شیطان شکل بگیرد، تمام متن های دینی رو با جایگزینی کلمه شیطان و دولت دوباره از اول بخوونید، تمامشان صادق است.

تست کنید تا شگفت زده بشید.
تا بفهمید شیطان چطوری خودش رو با اسمی دیگه پنهان کرده.

تماس هابز، دولت رو لویاتان قدرت یا شر ضروری نام برد (حضور شیطان رو تبدیل به آکسیوم یا اصول موضوعه کرده)
اما اصل امامت و ظهور منجی، دولت رو شر لازم موقت می دونه و به سمت آرمان حذف کامل شیطان دولت بدون رویکرد آنارشیستی و خشونت محور، صلح جویانه با امید فرج و ظهور حرکت می کنه.

برای فهم دقیق ارتباط اصل امامت و ظهور منجی با حذف دولت، باید یک بار خط به خط هایلایت های آزادی لعنتی ۱ تا ۶ رو بخوونید و بنویسید و فکر کنید.

فعلا بیشتر بازش نمی کنم. سورپرایزهای بزرگی برای همه در راهه.

مهترین فرق ۵ اصل: توحید، نبوت، معاد،
عدل الهی و امامت

در شیعه، با تمام نظام های صوری برای مفهوم
آزادی اینه که

اساسا دولت رو یک شر موقت می دونه و به
عنوان اصل نمی پذیره.

دولت بزرگترین تهدید و تحديد کننده آزادی در
تمام نظام های صوری فلاسفه آزادی هست و
در عین حال همه اوها به جز روتبارد، دولت
حداقلی رو لازم می دونند.

اما اصل امامت و ظهور منجی، دولت رو یک
شر موقت می دونه که باید همیشه یادآوری
کرد این شیطان دولت همیشه باید لاغر و
لاغرتر بشه.

با عینک «دین، تنها نظام صوری با ثبات برای مفهوم
آزادی است» و بعد از مرور هر ۶ هایلایت آزادی
لعتی و لایو آزادی و دین، یک بار دیگه برید زندگی
نامه امامان رو بخوونید. اصلا انگار همه چی برآتون
از صفر عوض می شه.

در تمام نظام های صوری برای مفهوم آزادی

دولت به عنوان یک شر لازم، به شکل یک
اصل پذیرفته شده.

بزرگترین دشمن آزادی
به عنوان یک اصل

در نظام صوری برای مفهوم آزادی پذیرفته
شده!

به جز اسلام و او نم از نوع شیعه

این یکی از بزرگترین تناقضات ممکن در
نظام های صوری برای مفهوم آزادی است
که در نوشتارهای تمام فلسفه آزادی به جز
موری روتبارد وجود دارد.

دشمن شماره یک آزادی یعنی شیطان
(دولت) در نظام صوری برای مفهوم
آزادی، به شکل آکسیوم یا اصول
موضوعه، قرار بگیرد! این با عقل سليم
و منطق مرتبه اول هم در تضاد است!

جایی برای این حرفای من نگردید.

پیدا نمی‌کنید.

این بزرگترین رمزگشایی تاریخ دین و فلسفه از خود بنده است.

و مدامی که یک نفر مكتوب پیدا نشود که یک فرمال سیستم یا نظام صوری با ثباتی به جای این تز بیاورد یا بین گزاره‌های نظام صوری من، تناقضی پیدا کند

این تز به عنوان کامل ترین و دقیق ترین تز باقی خواهد ماند.

کتاب آن هم به زودی خواهید خواند.

این که چرا تنها نظام صوری با ثبات از مفهوم آزادی، در جغرافیای ایران متولد شده، نشان از عمق تمدن جغرافیای ایران دارد.

هرچیزی می‌نویسید، سیاسی ننویسید.

مثال واکسن و حجاب رو قبل
زدید. اگه اینجوری باشه من پس
باید بتونیم لخت مادرزاد هم
بیرون برم. مرزش کجاست؟ عرف؟

داستان همینه که ما هنوز معنای آزادی رو نفهمیدیم.

وقتی مداخلات دولتی از بین برن، مهم ترینشون هم
نظام پرداخت اجباری و مالیات زوری و تورم و واحد
پولی اجباریه

مناسبات جامعه خودش خودش رو تنظیم می‌کنه.

مهم ترینش اینه که کسی که عرف جامعه رو رعایت
نکنه، خود به خود طرد می‌شه، کسی باهاش تبادل
نمی‌کنه و از مزایای تمدن دور می‌افته.

مثلا من نه استخداماش می‌کنم نه براش کار می‌کنم
نه ازش خرید می‌کنم. حتما باید چوب برداری
بزینش تا راضی بشی؟

نمی‌دونم کلا چرا هر کس حرف از آزادی
می‌یاد، یاد لخت مادرزاد بودن می‌افته.

هرچیزی می‌نویسید، سیاسی ننویسید.

من نفهمیدم وقتی نهاد خانواده
اختیار فرد رو داره، آزادی فردی
چطور عملی میشه؟

بحث نهاد خانواده خیلی مفصل و جذابه.
اول اینکه معنای آزادی رو نفهمیدی. آزادی یعنی حقوق
مالکیت و دشمن اولش دولته، در واقع تو آزادی رو در
برابر دولت باید تعریف کنی.

اما خانواده مهم ترین نهادی هست که باعث می‌شه
رجحان زمانی کمتر بشه (زندگی از لذت آنی سوییچ
می‌کنه به عاقبت اندیشی حتی پس از مرگ برای
فرزندان)

تمدن از وقتی شکل گرفت و توسعه پیدا کرد که حقوق
مالکیت شروع شد. چون وقتی مالک چیزی هستی، لذت
آنی رو می‌ذاری کنار برای سود بلندمدت که دور زمینی
که حصار کشیدی حالا توش بسازی و کشاورزی کنی
و حالا تشکیل خانواده و فرزند، باعث میشه تو
برای بعد از مرگ هم عاقبت اندیشی کنی.

خطای پدر و مادر، چند فرزند رو تحت الشاعع قرار
می‌ده. اگر خانواده رو نابود کنی، خطای دولت،
می‌تونه یک نسل رو منقرض کنه. دامنه هزینه های
قطعی ناشی از اشتباهات انسانی گسترده می‌شه.

برای خانواده حتماً لایو مفصلی میرم
اینجا ناقص میشه

هرچیزی می‌نویسید، سیاسی ننویسید.

به داستان‌ها یا فکت‌های اساطیری
اعتقاد داری؟

یکی از گنجینه‌های تمدن هستند.

دانش و بینش ماندگار به شکل قصه
و روایت و فرهنگ و اسطوره در میاد

یکی از مایه‌های رشك و حسادت
بقيه به ايران، همیناست.

تا تو نستن هم یا نابود کردند یا
کوبیدن هم تحریف. الآنم که هر کس
از ایران بگه سریع مسخره می‌کنند.

هرچیزی می‌نویسید، سیاسی ننویسید.

فلج اطفال و آبله با واکسیناسیون
اجباری ریشه کن شدن. با اینکه
ناقض آزادی فردیه اما این اقدام
دولت برای جامعه مثبت بوده

اگر شیطان بعد از هر فربی، یه حالی نمی‌داد، تا
امروز سر پا نبود.

اینایی که می‌گن تو کار موکل و جن اینا هستن مثال
خوبی برای دولت هستند. می‌گن مثلا جن برات فلان
کار رو می‌کنه اما بعدا یه چیزی ازت میخواهد که اگه
ندی بیچاره ات می‌کنه. ممکنه بگه قلب مادرت رو در
بیار یا ممکنه بگه برو به گربه غذا بده. همینقدر رندم.
احمق ها به امید اوون کار آسونه، می‌گن باشه ولی ...
اما نهایتا تو رو تسخیر می‌کنه.

دولت هم دقیقا همینه. ممکنه خیلی کارا
برات بکنه، اما تسخیرت می‌کنه. جوری
که بگی کاش از آبله می‌مردم ولی دولت
نбود. دولت برای هر کاری که بحنه، نه
تنها پول بیشتری ازت می‌گیره، که بعدا
تمام زندگیت رو تسخیر می‌کنه. دولت
تبلوغ فیزیکی شده شیطانه.

هرچیزی می‌نویسید، سیاسی ننویسید.

ی جایی گفتی راه حل دلار زدایی
داری برای اقتصاد، قبلش گفته
بودی این راه حل شیطانیه،
چجوریا س؟

دلارزدایی دستوری شیطانیه

دلارزدایی مدل جنت خواه، احترام به
آزادی و اراده آزاد انسانه.

سر وقتیش به زودی همه می‌بینند که
جنت خواه چطوری راه حل دلار زدایی
خواهد داد.

آزادی، معجزه می‌کنه. مشابه تمام
معجزات پیامبران رو توی آزادی و
جامعه آزاد با چشم دیدید و
بزرگترهایش رو خواهید دید. همین
موبايل دستتون کم از معجزه داره؟

هرچیزی می‌نویسید، سیاسی ننویسید.

برای روستاهای دورافتاده،
وضعیت مدرسه و بهداشتش رو
بخش خصوصی نمی‌رہ تامین کنه؛
دولت هم که گند می‌زنه؛ چه باید
کرد؟

آمار خیرین مدرسه ساز رو چک کنید
تا وحشت کنید از این میزان کار خیر
داوطلبانه.

حالا حساب کن اقتصاد آزاد واقعی
بود و مردم میدونستن دولتی نیست
که با مالیات و تورم بیاد سراغشون و
رشد اقتصادی بالا بود.

اینا شوخیه، چون نمی‌دونید آزادی
یعنی چی. آزادی پر از معجزه است.

هرچیزی می‌نویسید، سیاسی ننویسید.

اگه دولت شیطانه، حسین چرا
دنبال حکومت بود

جواب سوال روشه فقط چون تفکر
انتقادی ندارید، کتاب‌هایش رو
نمی‌خوونید، دوره آموزشی منم ثبت نام
نمی‌کنید، این سوال رو می‌پرسید

جواب سوال اینه که دنبال حکومت نبود!
سؤال از بیخ غلطه. حکومتی که در لفظ به
حکومت پیامبر و امیرالمؤمنین هم می‌گن
هم حکومت به تعریف امروزی نبود.

یزید و بنی امية، تازه حکومت سازی کردند.
و شر دولت از همونجا آغاز شد.

شما اگه معنای آزادی رو بفهمید، تازه می‌فهمید
چرا یه واقعه ۱۴۰۰ ساله زنده است و چرا
حدیث نبوی داریم که حسین چراغ هدایت و
کشتی نجاته. داستان اینه که تقریباً ۹۹.۹ درصد
عزادارانش هم نمی‌دونن هنوز.

هرچیزی می‌نویسید، سیاسی ننویسید.

مرزی هس برای مالکیت خانواده؟
مثلاً کسی ک بچشو میفروشه.
بدون تجاوز به چارچوب خانواده،
چطور حل میشن این مشکلا؟

مرزی برای مالکیت دولتی هست؟
یه نگاه بنداز به جهان کنونی.

وقتی کسی کار غیراخلاقی بکنه طرد می‌شه،
وقتی جنایت بکنه و بچه پناه بیاره به
دیگران، وقتی دولتی نیست، اتفاقاً افراد امین
جامعه بیشتر می‌شن و مسئولیت اخلاقی در
نبوت دولت معنی پیدا می‌کنه و خود مردم به
داد هم می‌رسند.

شما در آزادی دنبال ضامن اخلاقی می‌گردی، در حالی
که در آزادی، صفات الهی پدیدار می‌شن، یکیشون خلق
کرده که تو تکنولوژی خودش رو نشون میده. همون
جامعه که خلق تکنولوژی می‌کنه در آزادی، خلق اخلاق
و مسئولیت هم می‌کنه.

جامعه ای که مسئولیت اخلاقی خودش رو انجام
نده، دولت (شیطان) از همون در وارد می‌شه.

آزادی، مسئولیت داره.

هر چیزی می نویسید، سیاسی نتویسید.

دولت شیطان نیست کارگزار خدای
جدید هست .. وقتی نیچه گفت
خدا مرد خدای جدید خلق شد ...
پول خدای زمان

پول و خدا و این موارد رو قاطی نکنید.

پول اگر از انحصار دولتی خارج بشه،
کار خودش رو صحیح انجام می ده.

هرچیزی می‌نویسید، سیاسی ننویسید.

قبل افکر میکردم اینکه مردم موقع
سیل و زلزله خودشون میرن برا
کمک خیلی مسخره چون یه دولت
بدربخور نداریم، ولی الان

هرچیزی می‌نویسید، سیاسی ننویسید.

بنظرم این وجه تمايز ماست از
خیلی از حتی کشورهای اروپایی،
ما با اینکار داریم تمرين میکنیم که
این نماد شیطان و حذف کنیم

این میشه مخاطب باهوش.
فرهنگ کمک کردن در ایران، ریشه در تمدنی
داره که حداقل ۱۴۰۰ ساله (و بیشتر) مفهوم
آزادی برآش اینقدر دغدغه بوده که کمک به
همنوع مستقل از دولت (شیطان) برآش به
شکل فرهنگ زیرپوستی و ماندگار در او مده.

برای اینه که می‌گم تخم مفهوم آزادی رو
تو ایران بکاریم، ازش جنگل درمیاد.

هرچیزی می‌نویسید، سیاسی ننویسید.

راه حل و شیوهی مواجهت با
جريان چپ چیه؟ اینطور که
پینوشه رو مثال میزنی، باید
سرکوبشون کرد؟ پس حقوق بشر
چی میشه؟!

چپی که حرف می‌زن، تو مناظره متلاشی می‌شه.
تا حرف زدنش مشکلی نیست.

مشکل از آنجاییه که تو مناظره متلاشی میشه و
اسلحة می‌گیره و با زور میخواه حقوق مالکیت رو
نقض کنه.

اونجا راهی جز جهاد باقی می‌مونه؟

در برابر فیدل کاسترو و استالین و
هوگو چاوز، راه دیگری هست؟

هزار بار شکر کنید که ایران دست
سوسیالیست ها و کمونیست ها
نیفتاد. هزار بار شکر کنید.

فقط یک درصد فکر کنید

این همه شور و انرژی ایدئولوژیک امروز در ایران

در راستای مفهوم آزادی بود و با حقوق مالکیت مثل ایدئولوژی برخورد می‌شد.

و به جای بحث سر مقاهم دیگه، داشتیم اولین بانک‌ها با واحد پولی خصوصی و غیردولتی رو تاسیس می‌کردیم.

اون وقت حکومت ایدئولوژیک می‌شد ارزش، ولی الان شده ضد ارزش. دلیلش فقط فرق باریک همون جمله است که می‌گم کشفش کردم. فرق یه موى باريکه، در حد يك جمله، ولی تبعات معجزه واره.

دین، تنها نظام صوری با ثبات برای مفهوم آزادی است.

فرض کنید این همه نیروی ایدئولوژیک کشور، می‌فهمید اصل آزادی چیست و این فرهنگ شهادت طلبانه، جان دادن در راه مفهوم آزادی بود، نه در راه کنترل. اونوقت چنان رشد اقتصادی و تکنولوژیک رخ می‌داد که دنیا زانو می‌زد.

به چشم بر هم زدنی زندگی همه ما عوض میشه اگه بدونیم دین، نظام صوری با ثبات برای مفهوم آزادی است یعنی چی. فاصله ایران ما با خوشبختی، فهمیدن همین یک خط جمله است.

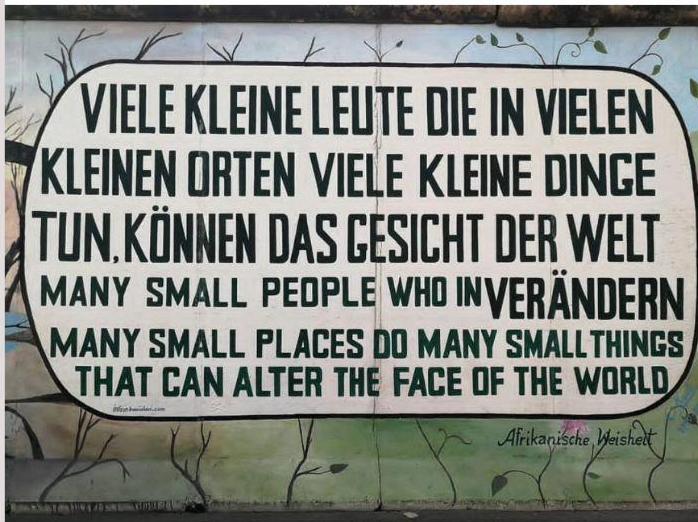
شیطان در جزییات پنهان شده.

فقط فهمیدن یک جمله برای تغییر
سرنوشت یک ملت کافیه.

فقط یک جمله.

برای فهمیدن و فهماندن همین یک
جمله زنده ام.

یک جمله، مثل دومینو همه چیز رو
حل می‌کنه.

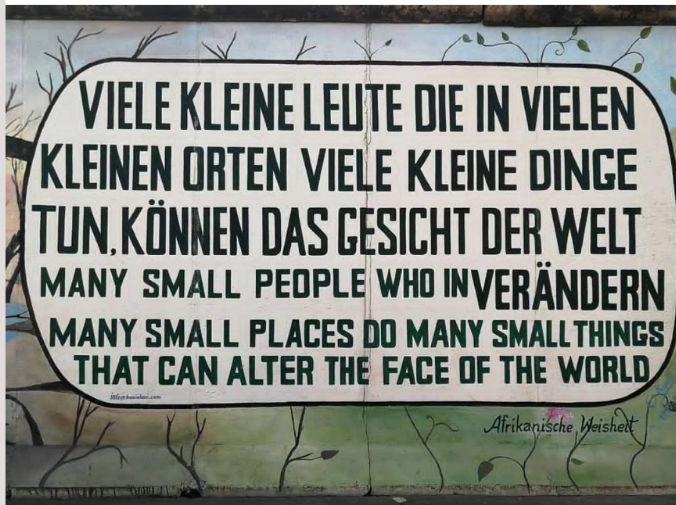


کار به شهرهای کوچیک رسیده. اصلاً jannatkhah.ir ... شوخی نیست. بی توجهی به معیشت مردم و more

این عکسی که از دیوار برلین گرفتم برای من همیشه الهام بخش بوده.
کل دیوار یک طرف بود و این تیکه برآم یه طرف

آدم های کوچک در محل های کوچک
کارهای کوچکی انجام می دهند که
می توانند چهره جهان را عوض کند.

فقط یک جمله



کار به شهرهای کوچیک رسیده. اصلاً jannatkahh.ir ... شوخی نیست. بی توجهی به معیشت مردم و more

اکثر لایک های این پست رو باز کردم دیدم
دیگه آنفالو کردن

مسیر اندیشه همینه. چون هرکسی توان هضم
مسیر اندیشه رو نداره، اکثراً دنبال حرفی
هستند که پیش فرض هاشون رو تایید کنند
اما من دائماً با پیش فرض های خودم که
میشه علائق آدم های مختلف درگیر بودم.

راه حل تو امتحان ریاضی ۹۰ درصد
نمره بود، جواب آخر ۱۰ درصد.

هرچیزی می‌نویسید، سیاسی ننویسید.

من یک ازادی خواه هستم که به
خدا هیچ اعتقادی ندارم

اشکال نداره، هایلایت‌ها رو بخوون و معماي
«دست آخر» تئوري بازي‌ها رو حل کن تا axiom
جايگزينى برای معاد داشته باشى.

توحيد رو بذار کنار و حل کن تا axiom جايگزينى
برای عدم کنترل گري ديگران داشته باشى.

ظهور منجى رو حل کن تا مجبور نباشى برای
مفهوم آزادى، دشمن اصلی آزادى یعنى دولت رو
به عنوان axiom در فرمال سیستمت داشته
باشى.

حالا اول جواب کانت رو بده، بعد بيا با هم
صحبت می‌کنيم.

آزادی خواهی بدون خداناباوری، غيرممکنه.
حالا تا وقتی خداناباوری تو به حقوق
مالكيت من ضربه نزن، کاري نداريم، ولی اگه
تعرض کردي، جوابت فقط اسلحه است.

هرچیزی می‌نویسید، سیاسی ننویسید.

دولت نباید زیادی بزرگ بشه و نه
کوچک باشه اگر کوچک بشه دولت
های مافیایی جزیره‌ای بوجود
میاد سر این حاضرم بحث ک

برای همینه یک پیر عاقلی مثل دکتر غنی نژاد با
براندازی و هرج و مرج مخالفه.

برای همینه امامان هم با براندازی مخالف بودند.

چون شیطان ظاهری دولت، با عوض کردن دولت
یا نابودی دولت، نابود نمی‌شه.

چون آزادی ناگهانی با نابودی ناگهانی دولت به
وجود نمیاد. شیطان تبدیل میشه به شیاطین
متعدد.

تا این جامعه نفهمه مالیات یعنی چی تورم
یعنی چی، مسئولیت داوطلبانه برای مفهوم
آزادی یعنی چی. شیطان شر لازم موقعته.
حذفش کنی با قدرت بیشتری برمی‌گردی.

پس ... در استوری بعدی

مردم باید مفهوم آزادی رو بفهمند.

راهش از لاک و هایک و میزس و روتبارد می‌گذرد.

بعد باید دین رو بفهمند.

راهش از عقل سلیم و فهم ۵ اصل می‌گذرد

قدم بعدی هم بعداً خواهم گفت.
نمی‌خوام سو تعبیر بشه.

اما آزادی از خون نمی‌گذرد. هر مثالی از
هر کشوری بیارید هم حرف دارم سرش.
خون چیزیه که شیطان طلب می‌کنه.

آزادی از عقل سلیم می‌گذرد.

بگو خدا باورم بدون اینکه روت
بشه مستقیم بگی خدا باورم:

آنارکوکاپیتالیستم

موری روتبارد (آنارکوکاپیتالیست):

مالکیت خصوصی بر زمین، بر اساس قاعده نخستین تصاحب گر تعریف می‌شود.

هرکس مالک انحصاری بدن فیزیکی خود و نیز همه جاها و کالای اعطا شده از طبیعتی است که اشغال می‌کند و به وسیله بدنش به کار می‌گیرد، فقط با این شرط که هیچ‌کس دیگری قبلًا همان جاها یا کالاهای را پیش از او اشغال نکرده باشد. این مالکیت بر مکانها و کالاهای «به‌طور اصیل تملک شده» مؤید حق او برای استفاده از آن و تبدیل این جاها و کالاهای به هر شکلی که او مناسب می‌داند است، به این شرط که او یکپارچگی فیزیکی جاها و چیزهایی را که دیگری پیشتر تملک کرده را به‌طور ناخواسته تغییر ندهد. به‌طور خاص، به محض این که جا یا کالایی بتواند برای اولین بار به قول جان لاک با ترکیب کار شخص با آن تملک بشود، مالکیت بر این جاها و کالاهای فقط از طریق انتقال داوطلبانه و قراردادی عنوان مالکیت از یک مالک به بعدی به دست می‌آید.

قال رسول الله: «من غرس شجرا او حفر واديا بدیا لم یسبقه الیه احد او احیی ارضا میتة فھی له، قضاء من الله و رسوله»

یعنی هر کس درختی بکارد در جایی که کسی بر وی در آن مکان پیشی نگرفته یا زمین مردهای را آباد کند، مال او خواهد بود. این حکم خدا و رسول او است.

ای بابا پس روتبارد هم که ۱۴۰۰ سال
دیرتر فهمیده

فرق آنارکوکاپیتالیستم با اسلام اونم از نوع شیعه، فقط یک موی باریکه. باورش سخته ولی واقعیته.

هیچ نقطه مشترکی در حد یک نانومتر بین سوسیالیسم و دین وجود ندارد.

هرجا اسلام با دولت بزرگ گره خورد، معانی به ضد خود بدل شد، چون اساسا دولت، شیطان زمینی شده است.

هرچی پیش فرض داشتید ب瑞زید دور. تز من قوى تر از این حرفاست. خیلی قوى تر از تصورات اولیه حتی متخصصان دینی یا علوم انسانی. دیگه چه برسه به آدمایی که صبح تا شب مشغول کارند و فرصت مطالعه و بررسی دقیق ندارند.

چی شد الان اگر به روتبارد استناد
کنیم می‌شیم آنارکوکاپیتالیست و
آزادی خواه

ولی به پیغمبر استناد کنیم می‌شیم
بچه شیعه مرتع؟

حالا هر گزاره ای که روتبارد از آکسیوم یا
اصول موضوعه آنارکوکاپیتالیسم با منطق
مرتبه اول و دوم و ... استخراج کنه،
نظام صوری ای از آزادی در میاره که شما
می‌تونید از همین حدیث نبوی دریابید.

وقتی دو تا فرمال سیستم (نظام
صوری) اصول موضوعه مشترک و
یکسان دارند، با استفاده از منطق
مشترک، هم ارز هستند.

من رو به تاریخ ارجاع ندید.

همین یک نمونه تاریخ مكتوب ۸۰ سال پیش ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که تماماً ثابت کردیم تحریف و دروغ بود برآمون بسه.

برای مطالعه تاریخ، بدون طراحی چند نظام صوری با ثبات صحیح و یک تئوری سازگار اگه اقدام کنید، شیطان قشنگ سرتون کلاه می‌ذاره. همون طوری که آبراها میان او مد بذاره و برای من یکی نتوانست.

طبعیه خالص ترین شکل آزادی رو در طول تاریخ تحریف کنند یا پنهان کنند. چندتا داستان هم به هرکس بینند که حرفش خوونده نشه. یا داستان ها رو عوض کنند.

نشانه ها واضحه و توی هایلایت ها و استوری ها مفصل از دزدیده شدن تاریخ نوشتم.

می دونید خنده دار چیه؟

روتبارد با همین یک اصل، یک نظام صوری نوشته برای آزادی که کامل ترین نوع ارائه شده تعریف مفهوم آزادی توسط بشره. (که خودم مدعی اثبات این هستم که با ثبات نیست باز هم و تنها نظام صوری با ثبات برای مفهوم آزادی دینه)

و این فقط یک!!!! حدیث نبوی بوده.

شما اگه عظمت اثبات قضایای ناتمامیت گودل رو نفهمید، عظمت همین استوری رو هم نمی فهمید.

یعنی به لحاظ عقل منطقی و ریاضیاتی اینقدر این قضیه عجیبه که از تبدیل عصا به مار کار سخت تر و عجیب تریه. و باز هم مردم ایراد می گیرند. کما اینکه هزاران سال همین ایرادها رو می گرفتند.

THEORY & HISTORY

An Interpretation of Social
and Economic Evolution

Ludwig von Mises

NARRATED BY John Pruden

این کتاب میزس داره ترجمه میشه توسط اساتید،
اینکه برای بررسی تاریخ باید تئوری داشت رو
ایشون قبلانو شته و به طور خاص برای اقتصاد
این کار رو کرده.

اینکه هر تئوری یک فرمال سیستمه هم بدیهیه.

نتیجتا اینکه من خودجوش به این نتیجه
رسیده بودم که مثل میزس تاریخ رو
بررسی کنم و قبل از مراجعه به مکتوبات،
نظام های صوری خودم رو طراحی کنم،
هم خودش خیلی حرفه. راضیم از خودم.

دوستان زیاد بسیار با سوادی دارم که حکم استاد راهنما رو برای من دارند اصلاً من خجالت می‌کشم رو حرفشون حرف بزنم. احتمالاً خیلیاشون بر من خرده می‌گیرند اما نظرم اینه و برآش استدلال‌های زیادی دارم:

مکتب اقتصاد اتریشی، آنارکوکاپیتالیسم

عملاً بدون باور دینی یک جامعه، قابل اجرا نیستند. در عین حال اگر اجرایی بشن هم بسیار شکننده و موقت هستند. آزادی در عالی ترین سطح خودش، اضطراب آزادی داره. بدون باور به خدای یگانه، دوام نداره.

ولی علی الحساب هرجا روتون نشد بگید خدا باورم، بگید آنارکوکاپیتالیستم یا طرفدار مکتب اتریش. خیلی فرقی نمی‌کنه. فرقش یه موی باریکه از نظر بنده حقیر.

منم می‌تونستم با همون فرمون اقتصاد اتریشی و آنارکوکاپیتالیسم برم جلو، خیلی هم با کلاس بود و کسی برچسب هم نمی‌زد و بفروش هم بود. ولی خیلی وقت نداریم. ایران ما خیلی وقت برای تعارف نداره.

همین اول فحش هاشو بخوریم ولی به حقیقتی که با استدلال می‌رسیم وفادار باشیم کافیه.

همین که پاییند به اصول حقوق مالکیت و آزادی باشیم کافیه. همین یعنی هیچ اصراری بر اینکه کسی چیزی بپذیره نداشته باشیم.

من شک ندارم این بحث ها در تاریخ
تکراریه.

داستان هاش هم تکراریه.

مصادیقش هم تکراریه.

شیرینی هاش هم تکراریه.

من فقط دارم اون تکرار رو تدریجی
کشف می‌کنم و نشونه هاش رو پیدا
می‌کنم و فرمال سیستم مخدوش و
پنهان شده رو بازسازی می‌کنم.

تنها ابزار من هم عقل سلیم و منطق
مرتبه اول و دوم و ... هست.

ما شанс آوردیم در دورانی که اگر آخوندها نبودند، کمونیست‌ها حتماً انقلاب خونین می‌کردند و پیروز می‌شدند، آخوندها رو داشتیم که جلوی کاملاً سوسيالیستی شدن ایران رو گرفتند.

چون اونجوری کار تمدن ایران و مفهوم خالص آزادی با دین زدایی کامل کمونیست‌ها تمام بود.

همون‌طور که ۲۸ مرداد شанс آوردیم شعبان جعفری و آیت الله کاشانی و محمد رضا پهلوی و آمریکا، جلوی مصدق و حامیان کمونیستش رو گرفتند تا هم ایران یکپارچه بماند هم اسلام بماند.

دو تا نسخه سوسيالیسم اسلامی داشتیم، یکی تروریست‌های منافق بودند و یکی طیف عدالت‌خواه کنونی و جلیلی و اون افکار دولتگرای سوسيالیستی. اولی که خنثی شد، دومی هم چه ناکارآمدیش عیان شد.

و ما هیچ تفسیر صحیحی از اینکه اساسا دین کجای ماجرا هست در مقوله آزادی نداشتم.

چون لیبرالیسم غرب رو دیدیم همه اش رو گفتیم بده گذاشتیم کنار التراتیو سوسیالیسم بود (مجاهدین خلق و اصولگرایان) یا تفکرات التقاطی دو تاش (اصلاح طلبان)

اهمیت گفتمان جدیدی که من ساختم (در واقع کشف کردم و گرنه در اصل همین بوده) اینه که در خلا اینکه دین و میهن و توسعه و آزادی رو نهایتا باید چه کنیم رسوندم به فرمولی که جواب همه رو داره می‌ده.

و به یقین می‌گم تنها نظام صوری با ثبات برای مفهوم آزادی، همین داشته خودمون دینه، همین شیوه است و همین فرهنگ و تمدن آزادی خواه چند هزارساله ایرانه.

و راه حل ایران هم چیزی جز همینا که می‌نویسم نیست. باقی راهها از خون می‌گذرد و حتی به مقصدی که تهش همین تکرار تاریخ باشه ختم می‌شه

دیشب در نقد دخانچی نسبت به فرهنگ پادشاهی در ایران و تغییر پادشاهی به مدلی مشابه اون گفتم که:

من نقطه مقابل شعار «مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر» که سوسیالیست ها و کمونیست ها و جمهوری خواه ها و مجاهدین می دن هستم.

چرا که بر اساس خط استدلالی هرمان هوپه (یکی دیگه از خدایان مكتب اتریش) دموکراسی برای یک نظام سیاسی، منجر به افزایش رجحان زمانی (ترجیح لذت آنی به رضایت بلند مدت) می شه، شیطان دولت مضرتر می شه و عاقبت اندیشی سیاست مداران در اجرا و شعار پایین تر میاد (خلاف رشد تمدن که نیازمند کاهش رجحان زمانی و بلند مدت نگریه)

چرا که اساسا من نهاد دولت رو دشمن آزادی می دونم، چه دموکراتیک چه دیکتاتوری، و مخالف هرج و مرج و تغییرات انقلابی هستم (بر عکس دیالکتیک هر اکلیتوسی سو سیالیست ها).

حالا حداقل این نهاد اگر بر اساس رجحان زمانی پایین تر و عاقبت اندیشی بلند مدت تر باشه، شر کمتری داره.

چون من بر عکس باقی نظام های صوری برای آزادی، دولت رو به عنوان شر ضروری به عنوان اصول موضوعه در نظام صوریم نمیارم. بلکه وجودش رو فقط به عنوان شر موقتی ضروری تا پرده برداری از حقایق و ظهور می پذیرم و مسیر من تا اون روز، آگاهی بخشی برای آزادی و عقب نگه داشتن دولت از مداخلات بیشتر در آزادی افراده.

با این مدل، من نه ۵۷ انقلابی می بودم و نه امروز هستم. نه با پادشاهی مشکل داشتم نه با سیستم ولایتی کنونی. دست بر قضا جفت این سیستم ها رو به جمهوری و دموکراسی ترجیح میدم و مدت هاست اعلام کردم لیبرال دموکرات هم نیستم. دموکراسی به عنوان یک متد برای تصمیم‌گیری در مورد برخی امور مشاع نیازه. همین.

برای همین کمونیست‌ها و چپ‌ها و سوسياليست‌ها به نظرم راست می‌گن که جریان پادشاهی جلوی براندازی مانع گذاشته. حرفشون درسته.

اما دلیل اصلیش اینه که این طیف هم چون ایران رو دوست دارند، تن به هر اقدامی نمی‌دهند. سوسياليست‌ها و چپ‌ها حاضرند ایران خاکستر بشه تجزیه بشه ولی انقلابی گریشون پیروز بشه. چون بی وطن هستند. چون بی خدا هستند، چون آزادی برآشون مهم نیست. آزادی رو در شکل دیکتاتوری دولتی توتالیتار به نفع طبقه ای از خودشون می‌خوان.

اما موضع من موضع و گفتمان دیگریه که این طیف خلاً دارند نسبت بهش. اونم بحث دین هست در یک کشوری با این پیشینه تاریخی دینی.

خلاصه سال هاست می‌گم، بازم می‌گم، برای براندازی رو دیوار من یادگاری ننویسید بعداً بگید دیدید از خودشون بود. اگه پلنم این بود از ایران می‌رفتم پارسال. من موضعمن مبنی بر دوری از گروه‌های مختلف عوض نشده. من قائل به اندیشه آزاد و گشت و گذار فکری و گفتمان خودمم فقط.

اصرار شدید من بر اهمیت اصول نبوت و امامت هم اینه که حواستون باشه چه امروز چه ۲۰ سال دیگه برخوردون با من مثل رهبر فرقه و کالت نباشه.

چون تمام رهبران فرقه ها و کالت ها، با آموزش یا کار خیر یا کاریزما و ... تهش فرقه شدند. مثل آین رند حتی.

برای همین نه گروهی می‌سازم نه عضو گروهی حتی تلگرامی می‌شم، نه دعوت حزبی می‌پذیرم و نه هیچ «اقدام جمع گرایانه دیگری».

تاكيد بر اون ۲ اصل هم برای اينه که شأن من به اشتباه از همین روزها تا سالیان آتي، شبيه يك رهبر يا فرقه نشه.

من آزادی فردی و فردگرایی رو اصل می‌دونم. جمع گرایی یا کالکتیویسم یه اژدهای ۷ سره که سوسیالیسم و کمونیسم و ناسیونالیسم و فرقه ها سرهای اون هستند.

همه آدم های بد دنیا بد نبودند الزاما، نیکوکار و سالم و کاریزماتیک بودند مثل هیتلر که طرفدار پیدا کردند از یه جایی به بعد جماعت باعث شدند امر به طرف مشابه بشه



از دین نوشتن بسیار کار سختیه، چون پتانسیل کالت شدن داره. دائم باید من این رو به تکرار مرور کنم تا حتی یک جوان ۱۸ ساله هم با بی تجربگی به من شان اضافه تو ذهنش فرض نکنه حق الناس بیفته گردن من. پایبندی به همون اصول ضامن سلامت مسیره.

عمده مخاطب اینجا بالای ۳۰ ساله اما نمی خوام حتی یک آجر اشتباهی تو این مسیر بذارم. از جمع گرایی بترسید. همین اژدهای بالاست. میهن دوستی خوبه ولی ناسیونالیست بودن به هیچ وجه.



[raminshahallahmadi](#)

همچنین، اگر یک تولید کننده مالک میوه هایش نباشد پس چه کسی مالک آنها باشد؟ درک این که کوک باکستانی تازه متولد شده اخلاقاً سهمی بکسان از قطعه زمینی در ایالت آیووا که به تازگی فردی آن را به مزرعه گندم تبدیل کرده داشته باشد مشکل است - بر عکس این قضیه در مورد حق یک نوزاد آیروایی بر زمینی در پاکستان نیز صدق می کند. زمین در حالت آزاد طبیعی خود بلا استفاده و بدون مالک است. جورجیستها و گروههای دیگری که دیدگاه کمونیستی به زمین دارند شاید ادعا کنند که کل جمعیت جهان واقعاً «صاحب» زمین اند اما اگر هنوز هیچ کس از آن استفاده نکرده عقل سليم حکم می کند که هنوز کسی مالکیت و کنترلی بر آن ندارد. فرد پیشتر از ساکن، نخستین استفاده کننده و تغیر دهنده این زمین کسی است که قبل از همه این جزی ارزش را به صحتی تولید و استفاده اجتماعی وارد می کند. درک عنصر اخلاقی در محروم خرد این فرد از مالکیت زمین به نفع مردمی که به چند هزار مایلی زمین تزدیک نشده اند و حتی شاید از وجود زمینی که فرض می شود سهمی در آن دارند آگاه نیستند. دشوار است.



اوج مناظره دیشب به نظرم جایی بود
که جنتخواه معماً دست آخر (گیم
تئوری) رقابت دولت‌ها، افراد و شرکت
ها توی جامعه رو با اصل معاد حل کرد

[@jannatkhah.ir](http://jannatkhah.ir)

رامین داره مانیفست آزادی روتارد
رو ترجمه می کنه.

برای اینکه بگی خدا ناباورم بدون اینکه
ریسک ارتداد رو در ایران به جون بخri و
نشون بدی هدفت تخریبه نه ساختن:

سوسیالیستم، دولتگرام، نهادگرام، کینزینم

Ask me a question

نظرت درباره‌ی اوشو و کریشنا
مورتی و کلا بچه‌های سمت هند و
حرفشون چیه؟

خز عبادات کاسب کارانه

کلا فاز عرفانی گرفتن رسم‌آ و
عقلًا ممنوعه.

آزادی

یک معنا بیشتر ندارد

رهایی از دولت

هر تعریف دیگری از آزادی از نیچه و شوپنهاور و اسپینوزا و مارکس و آرنت و ... هر کسی خواندید سر کار گذاشته شدید.

بقیه حرف‌ها و تعاریف، گنج، ناسازگار، سرکاری، گیج‌کننده و غیرقابل فهم هستند و هرچیزی این ویژگی‌ها را داشته باشد، مستعد کلاهبرداری است. ته همه آن تعاریف نهایتاً نمی‌فهمید یعنی چه و چه باید کرد.

تعریف آزادی باید همه کس فهم باشد. برای تعریف آزادی باید میلیاردها نفر بفهمند یعنی چی. نیاز به فیلسوف و دکتر و ... نیست. نمیشه میلیاردها فیلسوف قطار کرد.

رهایی از دولت هم یعنی رقابتی شدن تمام خدماتی که دولت آن‌ها را انحصاری برای خودش کرده است.

حجاب چیکار کنم و پشت پنجره خونه همسایه می‌تونم بگوزم یا نه و ... اینا سرکاری هستند. رهایی از دولت، یعنی نظم خودجوش همه این موارد را خود به خود سامان می‌دهد.

هنگامی که کسی از شما تصمیم برانجام کار خیر یا بخشیدن چیزی به کسی گرفت، باید مواطن باشد که در طرف راست و چپ او دو شیطان (دولت) هستند؛ بنابراین، باید به سرعت اقدام کند، مبادا آن دو شیطان (دولت) او را از این کار باز دارند. (امام صادق)

(جای شیطان بذار دولت، دولت رفاه، دولت باید به فقرا کمک کنه، دولت وظیفه داره به سیل زده ها کمک کنه، دولت باید مالیات بگیره تا این کارها رو بکنه)

تمام آیات و احادیث رو دوباره با جایگذاری کلمه شیطان با دولت بخوانید، جواب همه سوالاتتون رو میگیرید.

این بخشی از این کشف من هست که می‌گم
بیسابقه است.

به محض اینکه کمک خودجوش و داوطلبانه کنار بره، ضرورت حضور شیطان (دولت) فراهم می‌شه. فرهنگ کمک خودجوش ایرانیان در بلایای طبیعی، نتیجه مهمی داره، اونمک این که ما آزادی رو در سطح درونی سازی شده در کمک داوطلبانه تجربه کردیم.

نز: آزادی (دین) (حقوق مالکیت)
آنی نز: دولت (شیطان) (عدالت خواهی)

ستنز: وظایف جامعه منتظر ظهور (کار خیر
داوطلبانه برای بی نیازی از یک عادل
زمینی مثل دولت رفاه) برای حذف کامل
شیطان (دولت)

بر خلاف نظر برخی فرقه های خطرناک مبنی بر افزایش
تخرب و هرج و مرج و براندازی برای نزدیک شدن
ظهور، اتفاقاً جامعه منتظر ظهور باید تا می‌توانه بسازه،
تا می‌توانه کار خیر کنه تا دولت دائم ضرورتش کمتر
باشه، مداخلاتش کمتر باشه، وظایفش رقابتی تر باشه تا
آزادی (رهایی از دولت) هی بیشتر و بیشتر محقق باشه
(مثال ها: کمک داوطلبانه، ایجاد پول های خصوصی) تا
ظهور رخ بد و آزادی کامل محقق باشه.

خلاصه حواستون باشه، فرق حق و باطل
همیشه موی باریکه.

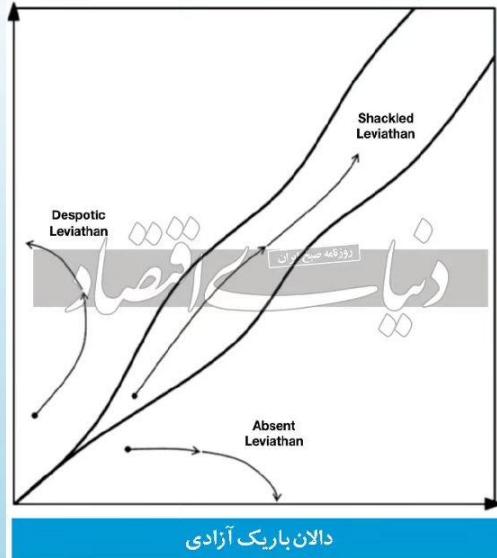
من همیشه برای ساختن مهمه، نه تخریب.

به خاطر همین دولت تا میبینه یه گروهی
جمع شدن کار خیر میکنن جلوش رو
میگیره به بهانه های واهی تا مردم نفهم
خودشون بهتر میتونم به هم کمک کن
و دولت نه تنها کمک نمیکنه بلکه خیلی
فشل و همراه با فساد همه‌ی موسسات
کمک طورش!! از هر جهت میخواه مردم
وابسته به دولت باشن



دروع بر تو

وقتی یک نظام صوری، با ثبات
(کانسیستنت) باشه، این شکلی جواب
همه سوالات و معماها در میاد.



تذهای عجم اوغلو همه غلطه. یه نمونه اش راه باریک آزادی. غلطه، یعنی نظام صوری که ارائه می‌ده کانسیستنت نیست. تنها ناقض آزادی یعنی دولت (شیطان) رو اصول موضوعه برای آزادی فرض کرده! میگه باید قدرت بین دولت و ملت یه راه باریک اون وسط بالانس بشه.

این خلاف اصل ظهوره. اصل ظهور لازمه تا در داخل نظام صوری مفهوم آزادی، دولت به عنوان ناقض اصلی آزادی به صورت اصول موضوعه نیاد.

نتیجتا در نوشتن این نظام صوری، ظهور رو می‌ذاری تا این دالان تغییر کنه به عقب هل دادن دولت ها بدون اقدام انقلابی. (فرض عجم اوغلو اینه که ضعف دولت یعنی هرج و مرج. در خدلی که این فرضه، نه اصل و فقط در انقلاب ها فرضش سچ صادقه، نه همیشه)

این گزاره های من منطق مغضه،
ریاضیات خالصه، پایه و اساس
اندیشه و خرده. یعنی هیچ
ریاضیدان یا فیلسوفی نیست بهش
بتوانه نقطه ای خرده بگیره. حتی
نمی تونه جرأت کنه چنین کاری بکنه
اینقدر که احمق جلوه خواهد کرد.

نه به لحاظ روش شناسی نقطه ای
نقد بهش وارد، نه به لحاظ خود
منطق و ریاضیات.

منطق و ریاضیات، پایه و ستون
فقرات فلسفه است. زبان فلسفه
است. جای شوخی و دلخواه من و
شما نیست.

قطع به یقین می‌گم، چون دونه دونه
بررسی کردم.

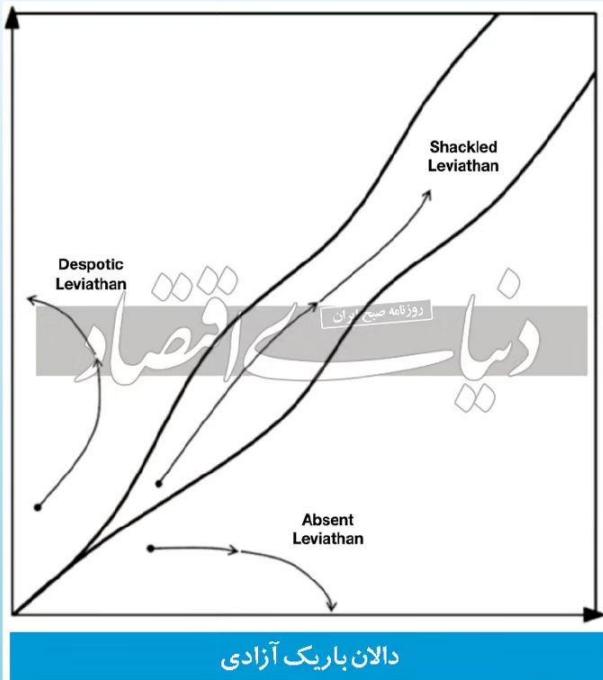
هیچکدام از فلاسفه آزادی و فلاسفه
عدالت، یک بار نظام صوری خودشون رو
نوشتند تا کانسیستنسی تزهاشون رو
چک کنند.

تقریباً یقین دارم اکثرشون حتی درست
نهی دونستن نظام صوری یعنی چی!

حالا عمر من قد بدہ دونه دونه رو مقاله کنم
همه رو نشون بدم سراغ یک یکشون باید
برم. تو اولی زاییدم چون باید تعهدات کاری
خودم رو انجام بدم پول در بیارم.

نون مفت دولتی و فاند مفت ندارم.

فقط این وسط مارکس احمق ترینشون بود،
چون با یک خط استدلال همون اول ناک
اوّت میشه.



عجم اوغلو برای مفهوم آزادی او مده یه نظام صوری آورده که ناقض خودش یعنی دولت رو کرده اصول موضوعه.

گودل خدابیامرز زنده بود از خنده تو
شلوارش میرید.

انگار تو هندسه اقلیدسی، بگی دو خط موازی همدیگه رو قطع نمی‌کنند ولی بعضی وقتاً همدیگه رو قطع می‌کنند. همینقدر احمقانه است. حالا طرف چون تو فلان دانشگاه آمریکاست برای یه جماعت بتنه!

من از قال باقر قال صادق شروع نکردم.

من از نقطه صفر شروع کردم نظام صوری رو بنویسم.

همون کاری که انيشتین کرد. اونم از جایی کپی برنداشت که زمان نسبیه، برای تخیلی که کرد اول، شروع کرد به نظام صوری نوشتند.

نه من بهم وحی شده نه به انيشتین وحی شده بود.
هردو از تخیل کامل شروع کردیم به خلق نظام صوری.
اون نسبی بودن زمان رو اصل گرفت و من مفهوم آزادی رو اصل گرفتم.

هردو نظام صوری نوشتیم، اون شد نسبیت خاص و عام، مال من شد اینا که نوشتیم.

منتها من کار تموم شد دیدم قبلًا نمونه اش بوده و من دارم دوباره کاری می‌کنم!

چون نقطه صفر من مفهوم آزادی بود، فهمیدم دو تا نظام صوری یکسان شدند، یکی دین بود، یکی نظام صوری سازگار برای آزادی که خودم نوشتیم. نتیجتاً این دو نظام صوری هم ارزند چون اصول موضوعه یکسان دارند.

اینجا شد که نوشتیم:
تنها نظام صوری با ثبات برای مفهوم آزادی، دینه.

منتظر مناظره دوم با اون دوست آتئیست هستم. فکر کنم شاید یک ماه دیگه حدودا.

بر عکس مناظره قبلی که فرض بر اشتراک روی اصول دین بود، این دفعه از ماقبل اون باید شروع کنم.

یعنی نقطه صفر

مناظره اول، اثبات ناسازگاری سوسیالیسم و دین و آزادی بود.

مناظره دوم میشه اثبات ناسازگاری خداناباوری و آزادی.

تا بن دندان مسلح در استدلال

من قبل کارمند بودم، اما یک ساله
همراه برادرم با حداقل آورده کسب
و کار خودمون رو راه انداختیم، هم
خودمون درآمد داریم و از یوغ کارفرما
خلاص شدیم، هم به دیگران درآمد و
پول میرسونیم هم در حد توان کار خیر
میکنیم، بدون هیچ رانت و چهارچوب
دولتی، کاملا آزاد

خداییش کار امثال ما خیر محض برای
خودمون و جامعه است، چرا باید مالیات
پرداخت کنیم درحالی که کمک حال
خودمون و جامعه و حتی دولتیم

چون مالیات سرقت مسلحانه است و
تو بابت کار خیر توسط شیطان جریمه
می‌شی.
شیطان بابت کار خیر جریمه می‌کنه و
بابت تنبلی پاداش میده.
ظرافت قابل جایگزینی بودن شیطان و
دولت رو ببین خودت.

وقتی نظام صوری کانسیستنته، همه
چی قطاری معنا می‌دن پشت هم.



تز عجم اغلو همیشه با تز کلیتون
کریستنسون تناقض داشت برام. کلیتون
هم دقیقا همینو میگه که شکوفایی از
مسیر ساختارمند و موسسه ها و کمک
دولتی خارجی نمیاد. کارآفرینی بومی یا
نوعی از نوآوری هست که جوامع رو از
فقر نجات داده نه موسسات. چیزایی که
میگید خیلی همخوانی داره با تز کلیتون
.the prosperity paradox

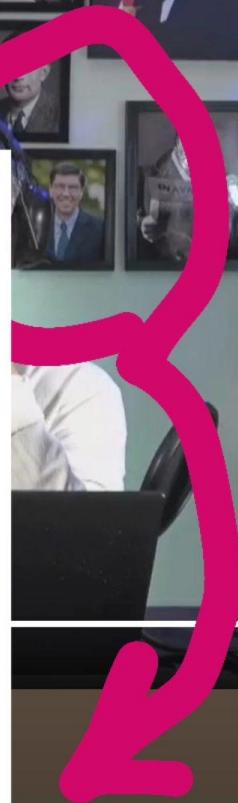


Today 14:08

عکش به دیواره



خدا رحمت کنه مرد.



720p

بازار الزاما به معنی رقابت نیست!

بازار مکانیزمی است برای کشف،
تولید و انتقال اطلاعات.

قیمت، فقط یکی از اطلاعاتی هست که در بازار کشف و منتقل می‌شود.

حجم مصرف گوشت مردم در یکسال،
اطلاعاتی هست که قیمت نیست. با این اطلاعات می‌توان حدسهایی راجع به مصرف سال آینده و تخمین افزایش تولید و نیازهای تکنولوژیکی و ... زد.

همه این اطلاعات از بازار به دست می‌آید و هیچکدام اطلاعات قیمتی نیست.

سوسیالیست‌ها اصلا هنوز معنای بازار رو نفهمیدند! فکر می‌کنند مشکل رقابت و عدالت در رقابته!

مداخله دولت در بازار

در قدم اول، این فرایند کشف و تولید و انتقال اطلاعات رو مختل می‌کنه.

قططی‌های پی در پی در شوروی و در اقتصادهای دستوری دلیلش مختل شدن این مکانیزم اطلاعاتیه.

سیستم پیچیده انسانی دچار گیجی می‌شه که چه چیزی رو چقدر باید تولید کنه.

حالا سوسياليست‌ها می‌گن با هوش مصنوعی حلش می‌کنیم که به قبر پدرشون خنديدند. چون غیرممکنه، آدم امروز می‌خواود یه چیزی بخره یادش می‌ره کلا بخره تا ۶ ماه. اين اراده آزاد که دائم برای فرد داره تصمیم رو تغییر می‌ده، کلان ماجرا رو دائم پیش بینی ناپذیر می‌کنه.

نتیجتا هوش مصنوعی و سوسياليست‌ها جفتی با هم گه خوردند که می‌تونن اطلاعات بازار رو بفهمند. یه گراف با رشد پیچیدگی نهاییه که دائم داره تغییر می‌کنه.

مداخله دولت در بازار

در قدم اول، این فرایند کشف و تولید و انتقال اطلاعات رو مختلف می‌کنه.

قطھی های پی در پی در شوروی و در اقتصادهای دستوری دلیلش مختل شدن این مکانیزم اطلاعاتیه.

سیستم پیچیده انسانی دچار گیجی می‌شه که چه چیزی رو چقدر باید تولید کنه.

حالا سوسیالیست ها می‌گن با هوش مصنوعی حلش می‌کنیم که به قبر پرداشون خنده‌یدند. چون غیرممکنه، آدم امروز می‌خواهد یه چیزی بخره یادش می‌رده کلا بخره تا ۶ ماه. این اراده آزاد که دائم برای فرد داره تصمیم رو تغییر می‌ده، کلان ماجرا رو دائم پیش بینی ناپذیر می‌کنه.

نتیجتاً هوش مصنوعی و سوسیالیست ها جفتی با هم گه خوردنده که می‌تونن اطلاعات بازار رو بفهمند. یه گراف با رشد پیچیدگی نماییه که دائم داره تغییر می‌کنه.

**بندگی غیر خدا (دولت) رو بکنی،
خدا قهر می‌کنه، دچار قحطی و فقر
می‌شی. (اینم ترجمه آخوندی و دینی
چکیده استوری قبل)**